

# فردوسی شماره کنایه در انمود

به ترتیب بیت‌های رینک از مجلد شاهنامه فردوسی  
همراه با فهرست الفبای کنایه‌ها در پایان

نگارنده:

دکتر عبدالحمید اسمعیل پناهی

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور)

اسماعیل پناهی، عبدالحمید، ۱۳۴۳-  
شاهنامه. شرح  
بازنمود کنایه در شاهنامه فردوسی: به ترتیب بیت‌های هر یک از نه  
مجلد شاهنامه فردوسی... / عبدالحمید اسماعیل پناهی.  
کرج: جهاد دانشگاهی واحد استان البرز (خوارزمی)، ۱۳۹۸.  
۳۲۰ ص.  
۴۵۰۰۰۰ ریال 978-600-7605-79-0 :  
فیبا

کتابنامه: ص. [۲۹۱] - ۲۹۴. نمایه  
فردوسی، ابوالقاسم، ۲۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر  
Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and  
interpretation  
Irony in literature. کنایه در ادبیات  
شعر فارسی -- قرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد  
Persian poetry -- 10th century -- History and criticism  
جهاد دانشگاهی. واحد استان البرز (خوارزمی)  
۲۴۹۵ PIR  
۱/۲۱۱۶۸  
۵۹۰۵۰۲۹

سرشناسه  
عنوان قراردادی  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
شابک  
وضعیت فهرست  
نویسی  
یادداشت  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
موضوع  
شناسه افزوده  
ردیف  
رده  
شماره کتابشناختی  
ملی

از نشر: جهاد دانشگاهی واحد استان البرز (خوارزمی)

شابک: ۰۰-۷۹-۶۰۰-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978-600-7605-79-0



عنوان کتاب : باز نمود کنایه در شاهنامه فردوسی  
نویسنده : عبدالحمید اسماعیل پناهی  
ویراستار علمی : علی محمد پشت دار  
نوبت چاپ اول : پاییز ۱۳۹۸  
شمارگان : ۲۰۰ نسخه  
قیمت : ۴۵۰۰۰۰ ریال

آدرس ناشر:

- (۱) کرج، خیابان شهید بهشتی، دانشگاه خوارزمی، طبقه همکف ساختمان مرکزی، معاونت فرهنگی  
جهاد دانشگاهی واحد استان البرز (خوارزمی)؛ تلفن: ۳۴۵۰۵۱۵۱-۲۶
- (۲) تهران، خیابان طالقانی شرقی، بین بهار و شریعتی، جنب بانک سپه، پلاک ۵۲، انتشارات جهاد  
دانشگاهی واحد استان البرز (خوارزمی)؛ تلفن: ۲۱-۷۷۵۰۳۸۲۴

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از  
این اثر را بدون اجازه مولف (ناشر) نشر یا پخش نماید مورد پیگرد قانونی خواهد گرفت

## فهرست مطالب

|                                                                                  |                                                                |
|----------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------|
| ۵                                                                                | تقدیم به.....                                                  |
| ۶                                                                                | سرلوحه.....                                                    |
| ۹                                                                                | پیشگفتار.....                                                  |
| ۱۷                                                                               | مقدمه.....                                                     |
| <b>فصل اول: مبانی نظری مجاز مرسل مرکب (کنایه خاص) و استعاره مرکب (کنایه عام)</b> |                                                                |
| ۲۴                                                                               | .....                                                          |
| ۲۵                                                                               | ۱- اهمیت و ضرورت کاربرد کنایه در زبان.....                     |
| ۲۶                                                                               | ۲- تعریف کنایه.....                                            |
| ۲۷                                                                               | ۳- لازم و ملزوم.....                                           |
| ۲۷                                                                               | ۴- انواع کنایه به لحاظ سیّۀ عنایه.....                         |
| ۳۰                                                                               | ۵- کنایه قریب و بعید.....                                      |
| ۳۲                                                                               | ۶- انواع کنایه به لحاظ وضوح و غفاء.....                        |
| ۳۵                                                                               | ۷- تعریض.....                                                  |
| ۳۷                                                                               | ۸- استعاره مرکب (گونه‌ای از کنایه).....                        |
| ۳۷                                                                               | ۹- وجه اشتراک و افتراق استعاره مرکب با کنایه.....              |
| ۴۰                                                                               | ۱۰- تصویرآفرینی با شگرد کنایه در شاهنامه.....                  |
| ۴۷                                                                               | ۱۱- رویکرد کاربردی کنایه در شاهنامه.....                       |
| <b>فصل دوم: بازنمود کنایه در شاهنامه فردوسی</b>                                  |                                                                |
| ۵۱                                                                               | .....                                                          |
| ۵۳                                                                               | مجلد اول شاهنامه فردوسی: بازنمود سیصد و پنجاه و هشت کنایه..... |
| ۱۵۳                                                                              | مجلد دوم شاهنامه فردوسی: بازنمود صد کنایه.....                 |
| ۱۸۳                                                                              | مجلد سوم شاهنامه فردوسی: بازنمود هفتاد و یک کنایه.....         |
| ۲۰۷                                                                              | مجلد چهارم شاهنامه فردوسی: بازنمود شصت و پنج کنایه.....        |
| ۲۲۵                                                                              | مجلد پنجم شاهنامه فردوسی: بازنمود شصت و هشت کنایه.....         |
| ۲۴۵                                                                              | مجلد ششم شاهنامه فردوسی: بازنمود سی و شش کنایه.....            |
| ۲۵۹                                                                              | مجلد هفتم شاهنامه فردوسی: بازنمود چهل و هشت کنایه.....         |
| ۲۷۳                                                                              | مجلد هشتم شاهنامه فردوسی: بازنمود شانزده کنایه.....            |

- مجلد نهم شاهنامه فردوسی: بازنمود بیست و چهار کنایه ..... ۲۸۱
- فصل سوم: پیوست‌ها ..... ۲۸۹
- پیوست (۱) بازنمود هفتاد و چهار کنایه نو یافته در شاهنامه فردوسی ..... ۲۹۱
- پیوست (۲) نقد و تحلیل دقیق بازنمود هفت ترکیب کنایی از کتاب «فرهنگ شاهنامه» اثر دکتر علی رواقی ..... ۳۰۹
- پیوست (۳) گزینش دویست و سی و یک کنایه جالب و منحصر به فرد در شاهنامه فردوسی همراه با توضیح و بازنمود آنها ..... ۳۱۵
- پیوست (۴) فنن تعبیر در سبک شعری فردوسی ..... ۳۷۱
- فهرست القابیه سابه‌ها ..... ۳۹۱
- منابع و مآخذ ..... ۴۱۵

متن پژوهی و مطالعه آثار مکتوب زبان فارسی به ویژه آثار کهن از وظایف اصلی فارسی‌پژوهان و دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی است. از متون قابل تأمل که همواره در مد نظر ادب‌پژوهان داخلی و خارجی بوده شاهنامه فردوسی است. شاهنامه با توجه به ساختار خاص و منابع مورد استفاده ناظم سترگ آن فردوسی و فاصله هزار ساله با فارسی معاصر، از حیث درک معانی و لغات و تعبیرات هنوز به مطالعه و تحقیق بیشتر نیازمند است.

فردوسی شناسان و شاهنامه‌پژوهان از قرون پنجم و ششم تا امروز در این زمینه اقدامات ارزشمندی در حوزه‌های مفردات شاهنامه، تعبیرات دشواری و اسامی خاص اعم از اشخاص و اماکن انجام داده‌اند و پژوهش‌های ایشان فراوان در فردوسی‌پژوهان بوده و هست اما مهم‌ترین کاستی آثاری که تا امروز به نام فرهنگ یا واژه‌نامه شاهنامه منتشر شده، دربرداشتن همه لغات و ترکیبات و نیز نادرستی و کلی‌گرایی و معنی‌گذاری آنهاست و آشکار است که با چنین پژوهش‌های ناقص و سهوآمیزی شناخت دقیق گنجینه لغوی شاهنامه و درک متن آن به درستی ممکن نیست. شاید آن نمای ظاهری متن شاهنامه و روشن‌بودن معنای بیشتر ابیات در محور طولی و تسلسل روایی داستان‌ها، پژوهندگان را از تأمل در یکایک واژه‌ها و تعبیر این کتاب باز داشته است و در سیر فرهنگ‌نویسی فارسی، غالباً لغات دشوار و نسبتاً ناآشنای شاهنامه با

شواهد آنها مورد توجه قرار گرفته و کمتر به بازنمود و شرح ترکیب‌های کنایی این شاهکار ملی و جهانی پرداخته شده است. از آنجا که شاهنامه فردوسی متنی است با قدمت هزار ساله و وسعت قابل اعتنا در مفردات فارسی و ترکیب‌های کنایی، همواره به عنوان مرجع و منبع فرهنگ‌نویسان به کار گرفته شده است و از این رهگذر خوانندگان و متن‌پژوهان خود نیز برای درک متن شاهنامه بی‌کار ننشسته و دست به تألیف فرهنگ‌های مخصوص به شاهنامه زده‌اند که در این میان به عنوان مثال می‌توان از «فرهنگ شاهنامه» تألیف دکتر علی رواقی نام برد که منبع اصلی کار بنده در این پژوهش به است. گفتنی است که از نظر پیشینه و تفوق زمانی، کتاب دو جلدی مزبور به عصاره کار پژوهندگان پیشین در زمینه بازنمود واژه‌ها و ترکیب‌های کنایی شاهنامه فردوسی است. بر این موضوع پیشنهادی بنده پیشی دارد اما با وجود ارزش و احترام فراوانی که نگارنده برای کار جناب دکتر رواقی قائل است، متأسفانه کار ایشان دچار کمبودها، نارسایی‌ها و اشکال‌هایی است که آن ضرورت کار بیشتر و دقیق‌تر را درباره این مهم می‌طلبد. به این کمبودها، نارسایی‌ها و اشکال‌ها در ذیل اشاره می‌شود:

۱- مهم‌ترین اشکال کار ایشان با عنوان «فرهنگ شاهنامه فردوسی» در آن است که صرفاً به شرح و توضیح واژه‌ها و ترکیب‌های کنایی خاص شاهنامه پرداخته است و شرح و توضیح واژه‌ها و ترکیب‌های پیش‌پاافتاده و معمولی را که خاص شاهنامه فردوسی نیستند، نیز دربردارد؛ واژه‌ها و ترکیب‌هایی از قبیل: «کفش زرین، شاهین، کلان، کفتر، کشته، کشته‌گاه، گوساله، گورستان و ...» که متأسفانه همین موضوع هم از ارزش و ابهت معنوی این اثر گران‌قدر کاسته و هم از نظر مادی به سبب حجیم بودن غیر ضروری، هزینه زیادی را بر خواننده تحمیل کرده است چراکه خواننده می‌تواند برای درک این واژه‌ها و ترکیب‌ها، مثلاً به فرهنگ فارسی معین یا فرهنگ دهخدا مراجعه کند.

۲- از قلم انداختن ترکیب‌های کنایی فراوانی در متن شاهنامه که بنده آنها را در این نوشته همراه با ترکیب‌های کنایی پیش‌یافته، پس از تبدیل به وجه مصدری و بیرون از طرح فرهنگنامه، به ترتیب بیت‌های هریک از جلد‌های نه‌گانه شاهنامه فردوسی بازنموده است.

۳- به اشتباه تعبیر و تفسیر کردن برخی از ترکیب‌های کنایی؛ مثلاً «بُروها پر از چین کردن» را در بیت زیر به اشتباه «برای انجام کاری مصمم شدن» تعبیر کرده در صورتی که تعبیر درست آن: «حالت جنگی در برابر دشمن به خود گرفتن» است. آنجا که می‌سراید:

فرمود تا رخس را زین کنند      سواران بُروها پر از چین کنند

(شاهنامه، جلد دوم: ۶۶۶/۲۲۱)

ضمناً این ترکیب کنایی، مفهومی دیگر نیز دارد که دکتر علی رواقی در «فرهنگ شاهنامه» آن اشاره نکرده و آن این است: «اخم کردن، خشمگین شدن» آنجا که می‌سراید:

سیاوش گفت گروی زره      بُرو کرد پر چین رخان پر گره

(شاهنامه، جلد سوم: ۱۸۸۳/۱۲۲)

با در خصوص ترکیب کنایی: «روان کسی را از تیرگی‌ها شستن» در «فرهنگ شاهنامه» دو اشتباه مرتکب شده؛ نخست آنکه صورت کنایه را به گونه‌ای ناقص یعنی: «روان کسی را شستن» آورده است. دو دیدگاه مفهوم آن را بدین گونه: «جان و تن کسی را زدودن و پاک کردن» نوشته که مفهوم آن نادرست و ناقص می‌نماید در حالی که مفهوم درست کنایی آن: «جان و روان کسی را از آلودگی‌های رفتاری و اخلاقی پاک کردن و زدودن» است. آنجا که می‌سراید:

بفرمود شستن سرانشان نخست      روانشان از آن ترکیبها بشست

(شاهنامه، جلد دوم: ۳۱۲/۶۹)

۴- نپرداختن به شرح و توضیح واژه‌های کلیدی در برخی از ترکیب‌های کنایی که شرح و توضیح آنها تأثیر بسزایی در تفهیم بهتر معنای کنایی آن ترکیب‌ها به مخاطب دارد. مثلاً معنی واژه «آبنوس» را در ترکیب کنایی: «زمین آبنوس شدن» مهمل گذاشته و صرفاً به نوشتن مفهوم کلی آن یعنی: «زمین تیره شدن» بسنده کرده است در حالی که اگر در باره معنی «آبنوس» می‌نوشت که: «آن درختی در سرزمین هندوستان است که دارای چوبی بسیار مرغوب، محکم و تیره‌رنگ می‌باشد». مخاطب به طور روشن مفهوم کنایی «تیره شدن» را از ترکیب: «آبنوس شدن» درمی‌یافت.

۵- مطابقت نداشتن ساختار بیشتر ترکیب‌های کنایی آن، با آئین و قواعد دستور زبان فارسی. ترکیب‌هایی از قبیل: «نان و نمک خوردن با کسی، تیز شدن با کسی یا چیزی، دل دادن کسی را، جام کسی پر می و شیر بودن از کسی» که باید به صورت: «با کسی نان و نمک خوردن، با کسی یا چیزی تیز شدن، دل به کسی دادن، جام کسی از دیگر کس پر می و شیر بودن» نوشته شوند. یا مثلاً در شرح ترکیب کنایی: «سپهر با کسی پیوستن» به سبب آوردن واژه «روزگار» در پایان، صورت آشفته‌ای به آن داده است؛ بدین گونه: «روی خوش نشان دادن و از راه لطف و دوستی با کسی همراه شدن» که باید بدین گونه نوشته شود: «روزگار از راه لطف و دوستی با کسی همراه شدن و به او روی خوش نشان دادن».

اکنون در این اثر عنایت به اشکال‌های فوق‌الذکر، برای جبران این کمبود دو نکته مهم در خصوص ترکیب‌های کنایی شاهنامه فردوسی منظور نظر بوده؛ نخست اینکه راقم این سطور کسبیده، برای جلوگیری از دوباره‌کاری در کار پژوهندگان پیشین، بیرون از طرح فرهنگنام صریحاً به بازنمود ۷۸۶ کنایه در شاهنامه فردوسی به ترتیب بیت‌های هر یک از جلد‌های نه‌گانه آن و بر اساس چاپ مسکو تصحیح دکتر سعید حمیدیان پرداخته. دو دیگر آن دسته از ترکیب‌های کنایی شاهنامه فردوسی را که از دید دکتر علی رواقی در «فرهنگ شاهنامه» پنهان مانده و یا به اشتباه شرح و معنی کرده است، با تلاشی مضاعف و بهره‌گیری از تمام منابع پژوهشگران پیشین و با توجه به ساختار و بافت معنایی متن شاهنامه به درستی بازنموده‌اند.

### ب- اهمیت و ضرورت این نوشته

اهمیت و ضرورت این نوشته که برگرفته از رساله دکتری بنده بوده است، برای دانشجویان و دستداران زبان و ادبیات فارسی تا بدان پایه است که آن توانسته، ترکیب‌های کنایی موجود در متن شاهنامه فردوسی را که به لحاظ ساختار کنایشان سخن پرمغز حکیم طوس را درهاله‌ای از پوشیدگی قرار داده اند، به خوبی تشریح و بازنمایی کند و از این رهگذر آنان می‌توانند بدون حضور استاد و به طور خودخوان بیش از ۹۰ درصد مفاهیم متنی این شاهکار ملی و جهانی را دریابند.

## ج- روش کار

روش کار در نوشته حاضر، به شیوه تحلیل محتوا و با ابزار کتابخانه‌ای صورت گرفته است؛ بدین گونه که نخست بنده بیت‌های نه مجلد شاهنامه فردوسی را که بر اساس چاپ مسکو و تصحیح دکتر سعید حمیدیان بوده، به دقت خوانده ام و با تلاشی طاقت‌فرسا در مدت دو سال، ترکیب‌های کنایی موجود در هر مجلد را به ترتیب بیت‌های آن پس از شناسایی و تبدیل آنها به وجه مصدری، بازنموده ام. مراد از به کار بردن مصدر مُرَحَّم پارسی «بازنمود» و فعل‌های گرفته شده از آن در جای جای این کتاب، واژه عربی «شرح» است. هر گاه دریافته ام که معنی واژه‌ای در یک ترکیب کنایی ممکن است، برای مخاطب ناشناخته باشد و آن موجب ابهام در فهم درست مفهوم کنایی ترکیب مورد نظر گردد، معنی واژه مورد نظر را به گونه‌ای مستند دقیقاً توضیح داده‌ام. مثلاً اگر در ترکیب کنایی: «زمین آبنوس شدن» که کنایه از: «روی زمین تیره‌رنگ گشتن» است، کسی معنی واژه «آبنوس» را نداند، مسلماً رابطه تیرگی را در مفهوم کنایی آن در نمی‌یابد. بر این پایه معنی آن را بدین گونه باز نموده‌ام؛ توضیح: «آبنوس: چوبی است سست و سخت و شفاف. درخت آن در هندوستان می‌روید. هر چیز تیره‌رنگ و سست را به آن تشبیه کنند.» (واژه‌نامک، ذیل واژه آبنوس) پس هر گاه گفته شود: «جهان، زمین را خورشید پیش چشم کسی آبنوس شدن» منظور تیره شدن است.

مثال در بیت زیر:

چو بشنید پیران برافراخت کوس      شد از سُم آسبان زمین آبنوس  
(شاهنامه، ج ۱، ج ۲: ۲۱۶/۹۸)

همچنین هر گاه واژه‌ای به توضیح نیاز داشته، این توضیح را فقط یک بار در متن رساله نوشته‌ام و دیگر موارد مشابه آن را به نخستین توضیح به شرح ذیل ارجاع داده‌ام؛ مثلاً عبارت: تذکار: (درباره «اختر و بخت» ← ۱۴ مجلد اول) یعنی درباره رابطه مفهومی «اختر و بخت» به توضیح و بازنمود کنایه شماره ۱۴ از مجلد اول این رساله رجوع شود.